

## درباره جزوه مورگان شوستر

پنجاه و هفت هشت سال پیش مورگان شوستر امریکایی ، بعنوان مشاور و خزانه دار به استخدام این کشور درآمد . بقصد سروسامان دادن به مالیه از هم گسیخته کشور . آن مردی با شانزده نفر همراه و همکار نزدیک یکسال در ایران ماند . حضور او و همکاری او ، برای روسیه تزاری و انگلستان که سرطانه های مالی این کشور بودند ، دست اندازی سیاست اقتصادی تازه ای تلقی شد که تحملش را نداشتند و نقش را طوری بازی کردند که مستشاران مالی امریکایی سال ننگذشته دمشان را روی کولشان گذاشتند و خدا حافظ . غزل خدا حافظی شان کتابی بود با اسم «اختناق ایران» . مطالب کتاب برای ما خیری بود که عدو سبب شده بود . فرامرز بزرگمهر اخیراً از آن کتاب تجدید چاپی کرده است . اسماعیل رائین بر آن شصت صفحه مقدمه زده است . بحث راجع به کتاب فرصت بیشتری میخواهد . در اینجا ، قصد اشاره ایست انتقادی به مقدمه کتاب . جنبه های مثبت مقدمه رائین که همه اسنادی است یسار آور فضاحت های مالی و سیاسی رجال گذشته مملکت با طرح این انتقاد ، تیره و کدر نمیشود .

رائین تحت تأثیر سجایای خلقی و فردی میسیونر های امریکایی بسیاری از قبیل ژوزف کاسگران ویا تحت تأثیر بلیات ناشی از نفوذ سیاست انگلیس درین مقدمه براهی رفته است که منجر شده به دفاع جانانه ای اواز سرمایه داری امریکا ، اگر سی و چهار سال پیش آدمی چون سیف آزاد نوشت : «مورگان شوستر که بواسطه خدمتگزاری صادقانه و نقشه های سودمند حیاتی که برای ترقی و عظمت و بهبودی حال ایران و ایرانیان داشت . . . ، ویا عارف قزوینی سرود که :

د تنگ آن خانه که مهمان ز سرخوان برود

جان نثارش کن و مگذار که مهمان برود

گر رود شوستر از ایران ، رود ایران برباد

ای جوانان مگذارید که ایران برود ،

و اینها تلویحاً جانب گیری از دخالت دست تازه ای بود در سیاست داخلی ایران دست کم بدو دلیل امروز میتوانیم آنها را درین استنباط غلط مصیب بدانیم . یکی به این دلیل که آن کسان و در آن زمان ، دسترسی امروزه ای که ما به اسناد پنهانی سیاسی داریم ، نداشتند و حقیقت امر برایشان نمیتوانست آشکار گردد

دیگر اینکه آنان در گرماگرم مبارزه يك حریف تازه نفس ، در میدان سیاست خارجی ، با دو حریف کهنه کار خود بشوق آمده ، جانب حریف تازه وارد و تازه نفسی را گرفته اند که موقتاً از میدان بدر برده شده است ، اما در مورد راین ، قضاوت خواننده سخت تر است . بخواننده ثقیل می آید که راین سجایای اخلاقی و فردی شوستر را بحساب سرمایه داری امریکا واریز کند . راین از حسین مکی نقل کرده است که عده ای از مردم معتقدند : « ... باید امریکای صلح جوی بشردوست را بایران علاقمند ساخت و ایران را از دایره محدود مبارزات دو حریف (روس و انگیس) رهایی بخشید ... » وزیر این فتوا بعنوان سند و مدرک بر ادعای خود که « شوستر پاك سرشت » هر جا میرفت سرمایه داران « امریکای صلح جو » را تبلیغ میکرد تا « بایران وام بدهند » و مردم ظلم کشیده ایران را « کمک و همراهی کنند » از دکتر می لی سپو (يك امریکایی مستشار دیگر) دلیل می آورد که : « ... دو مساله مهم دیگر نیز در انتخاب امریکائیان از نظر ایرانیان قابل ذکر است . اول اینکه چون امریکائیان ثروتمند هستند نظر استعماری و استثماری در خاورمیانه ندارند ... » تأسف خواننده اینست که آقای راین اولاً توجه ندارند که در همان زمان مورد استناد حسین مکی ، عده ای هم بوده اند که معتقد به سیاست موازنه منفی بوده اند و معتقد باینکه نه تنها پای سیاست تازه ای را به میدان نکشند ، بلکه سعی کنند پاهای سابق کم کم بعقب زده شود . و پیداست توجه نداشتن به این امر ، ایشان را بنتایج غلطی راهبر شده است ، ثانیاً نکته مسخره استدلال می لی سپو را که بهر حال به ایرانیان نسبت داده اند هنوز هم متوجه نیستند و بر پایه چنین قول مسخره ای نتیجه هم گرفته اند . و ازین هر دو گذشته زمان آقای راین - از زمان عارف آدمی - چهل سال تجربه افزون دارد . و این تجربه مربوط است به نقش سرمایه داری امریکا در دنیا و در کشور خود ما . و آقای راین هنوز امریکا را « کمک و همراهی کننده » و « صلح جو » میدانند و لابد چون سرمایه دار هم هست « بی نیاز به خاورمیانه » شك نیست که اطلاعات تاریخی آقای راین خوب است . ولی چون دید اجتماعی بیماری سنج ندارند ، استنتاجات ایشای هباومنشور است .

راین گرد آورنده ای کنجکاو و خوش حافظه است . جستجویش بهر گه ای از اطلاعات که می خورد به شوق می آید و تحت تأثیر قرار میگیرد و شروع به قضاوت میکند . در قضاوت است که کارش خراب است و کمیتهش لنگ . و کاش راضی میشد و از خیر قضاوت و استنتاج میگذشت و تنها به ارائه مدارک می پرداخت که خود کاری است گران .